



مصاحبه با دکتر نیکلاس نورلینگ از موسسه سیاست و امنیت سوئد

## در معمای امنیتی زندگی نمی‌کنیم

شهرام کالجی

vali.kalaji@gmail.com



### آغاز سخن

به خواست خداوند بخش بین الملل ماهنامه گزارش قصد دارد تا آنجا که امکان دارد در هر شماره مصاحبه‌ای با یکی از اساتید و کارشناسان ایرانی و خارجی که صاحب نظر در حوزه مسایل سیاسی و بین المللی هستند صورت داده و تقدیم خوانندگان عزیز نماید. هدف این است که ضمن آشنایی بیشتر خوانندگان با ساختار سیاسی کشورهای مختلف، از نقطه نظرات متفاوت این صاحب نظران درباره مهمترین مسایل سیاسی و بین المللی به ویژه در رابطه با کشور عزیزمان آگاهی یابیم.

در این میان ذکر چند نکته شایان یادآوری است. نخست آن که دیدگاه‌ها و نقطه نظرات این افراد بیانگر مواضع دولت‌های متبوعشان نیست. بلکه این نقطه نظرات نتیجه فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی آنها در مراکز مطالعاتی و دانشگاه‌ها می‌باشد و امکان دارد با مواضع کشور متبوعشان همخوانی یا مغایرت داشته باشد. دوم آن که پاسخ این افراد به سوالات طرح شده عموماً در فضای فکری، سیاسی و اجتماعی کشور متبوعشان صورت می‌گیرد و از این رو چاپ این پاسخ‌ها ضرورتاً به معنای تایید آن از سوی ماهنامه گزارش نخواهد بود. سوم آن که خوانندگان علاقه‌مند به حوزه مسایل سیاسی و بین المللی می‌توانند سوالات احتمالی خود را از طریق پست الکترونیکی در اختیار نگارنده قرار دهند تا در شماره‌های بعدی از آنها استفاده شده بر غنای مصاحبه افزوده شود. در این شماره مصاحبه با آقای نیکلاس نورلینگ، استاد و پژوهشگر جوان حوزه مطالعات سیاسی و بین المللی از کشور سوئد که در سال گذشته در جریان یکی از کنفرانس‌های وزارت امور خارجه فرصت آشنایی با ایشان دست داد، تقدیم خوانندگان می‌گردد.

سال هفدهم / شماره ۱۹۱۰ / مهر ۱۳۸۶

۶ گزارش

است که از طریق پست الکترونیکی (ایمیل) توزیع می‌شود. دکتر نورلینگ یکی از نویسندگان مشترک کتابی در زمینه "سیاست امنیتی هند" است که به صورت رایگان در وب سایت [www.silkroadstudies.org](http://www.silkroadstudies.org) قابل دریافت می‌باشد و علاقه‌مندان می‌توانند به آدرس یاد شده مراجعه نمایند.

مقالات آقای نورلینگ به صورت مرتب در ژورنال‌ها و مجلات معتبری مانند "بررسی آسیایی" "Asian Survey"، آسیای مرکزی و قفقاز، موسسه آنالیز آسیای مرکزی و قفقاز، "Institute Analyst"، "Central Asia-Caucasus" و چشم‌انداز سیاسی "Policy Perspectives" و مانند آن به چاپ می‌رسد. در اوایل سال ۲۰۰۷ میلادی، دکتر نورلینگ به همراه مدیر برنامه‌های موسسه "سیاست امنیت و توسعه" آقای نیکلاس استونس‌تروم پروژه مشترکی را با دفتر

تحصیلات تکمیلی و تخصصی خود را در دانشگاه اوسلا "Uppsala" و نیز دانشگاه دفاع ملی سوئد ادامه داد. نیکلاس نورلینگ هم‌اکنون در زمینه امنیت و تجارت در حوزه آسیای مرکزی و افغانستان در دانشکده مطالعات اوراسیا مشغول به تدریس می‌باشد.

در کنار فعالیت‌های دانشگاهی، نامبرده به عنوان یک پژوهشگر در موسسه "سیاست امنیت و توسعه" "and Development Policy- ISDP" "Institute for Security" در استکهلم مشغول فعالیت است و در کنار این فعالیت، معاون سردبیر فصلنامه "هم‌اندیشی اوراسیا و چین" نیز می‌باشد. عمده‌ترین علایق و زمینه‌های پژوهشی ایشان تقابل سیاست و اقتصاد و کاربرد آن در متن محیط امنیتی اوراسیا است. وی همچنین سردبیر یک بولتن خبری هفتگی در مورد موضوعات امنیتی و توسعه‌ای در آسیای مرکزی و چین



### نیکلاس نورلینگ در یک نگاه

نیکلاس نورلینگ "Nicklas Norling" یکی از پژوهشگران حوزه مسایل سیاسی و بین المللی کشور سوئد است. وی مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه استکهلم دریافت نمود و سپس

مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران "IPIS" شروع نموده‌اند با این موضوع که چگونه انرژی به عنوان ابزار تضاد و پیشگیری در اوراسیا مورد استفاده قرار گرفته است.

**آقای نورلینگ! ضمن تشکر از وقتی که در اختیار ماهنامه گزارش قرار دادید، اجازه بدهید بحث را با کشور ما یعنی سوئد آغاز کنیم. خوشحال خواهیم شد که اگر اطلاعاتی درباره ساختار سیاسی کشور سوئد، احزاب اصلی و فعال در صحنه سیاسی این کشور در**

دموکرات‌ها "Socialdemokraterna"، حزب مرکزی یا میانه "Centerpartiet"، حزب لیبرال "Folkpartiet"، دموکرات مسیحی "Kristdemokraterna" و محافظه‌کاران "Moderaterna" هستند.

در اکثر مقاطع قرن بیستم به جز چهار انتخابات سال‌های ۱۹۷۶، ۱۹۷۹، ۱۹۹۱ و ۲۰۰۶ سوسیال دموکرات‌ها در قدرت بوده‌اند و این امر منجر به شکل‌گیری یک اکثریت پارلمانی برای بلوک راست-مرکزی گردید. در سال ۲۰۰۶ مردم سوئد به یک دولت ائتلافی محافظه‌کار به رهبری فردریک رینفیلدتی به عنوان نخست‌وزیر رای دادند. همچنین کارل بیلدت،

باشد که سوئد به صورت بنیادینی اهداف اتحادیه اروپا را پیگیری نموده است. پیش از شکل‌گیری حمله به عراق، سوئد نیز خواستار یک صدای یکپارچه اروپایی و تقویت سیاست خارجی و امنیتی مشترک "CFSP" بود. سوئد تردید بسیار زیادی در مورد یک رییس منتخب برای شورای اروپا دارد اما از انتصاب وزیر امور خارجه اتحادیه اروپا استقبال می‌کند. هر چند فکر می‌کنم با توجه به دو کرسی مشابه در سطح ملی و اتحادیه اروپا، تحقق چنین امری بعید به نظر می‌رسد.

### نظر شما در باره روابط ایران و سوئد چیست؟

من معتقدم که گفتگو کلید هر نوع روابط دوجانبه‌ای است و فکر می‌کنم انزوا و تحریم‌های اقتصادی در اکثر موارد امتحان خود را پس داده است. با وجودی که بر علیه کشورهایی چون کوبا، ازبکستان و ایران مورد استفاده قرار گرفت. از این رو من از مسافرت آقای متکی و افزایش گفتگو میان ایران و سوئد استقبال می‌کنم. گفتگو باید دربرگیرنده همه جنبه‌های مورد علاقه مانند اقتصاد، امنیت، انرژی و حقوق بشر باشد. چالش موجود در روابط فی‌مابین، غلبه بر دیوار بی‌اعتمادی است که به دنبال پیگیری ایران در دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای به وجود آمده است. با این وجود من فکر نمی‌کنم سوئد در تقاضای خود از ایران برای تبعیت از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد کوتاه بیاید.

تهران همواره از وجود معیارهای دوگانه در نظام بین‌المللی از جانب قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی انتقاد می‌کند. به عنوان مثال پاکستان، هند و اسرائیل عضو NPT نیستند و هیچ‌گونه فشاری را نیز متحمل نمی‌شوند و در همین حال ایالات متحده با هند موافقتنامه هسته‌ای نیز امضاء می‌کند. اما از سویی دیگر ما شاهد فشارهای بین‌المللی بر ایران به عنوان یک عضو NPT هستیم. فکر نمی‌کنید چنین تضادهایی می‌تواند تضعیف‌کننده NPT و سازمان بین‌المللی انرژی اتمی "IAEA" باشد؟

من فکر می‌کنم موضوع توسعه روابط هسته‌ای غیرنظامی هند و ایالات متحده در مقطع زمانی نامناسبی صورت گرفته است. همان‌گونه که شما به درستی اشاره



نخست‌وزیر پیشین سوئد در دولت محافظه‌کار سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۱ به عنوان وزیر امور خارجه منصوب گردید.

سوئد یکی از اعضای اتحادیه اروپا به شمار می‌آید. پرسش اینجاست که کشور سوئد در فرایند سیاست خارجی در چه زمینه‌هایی به صورت کامل از سیاست خارجی مشترک اتحادیه اروپا پیروی می‌کند و در چه مواردی سیاست خارجی منفرد و مستقل را در پیش می‌گیرد؟

سوئد تاکید بسیار فراوانی بر نقش اتحادیه اروپا برای توانایی مدیریت بحران به منظور پاسخگویی سریع به کشمکش‌های بین‌المللی دارد. این امر شاید به این دلیل

اختیارمان قرار دهید. ضمن این که در مقطع کنونی کدام حزب قدرت را در پارلمان و دولت در اختیار دارد؟

سوئد دارای نظام مشروطه سلطنتی است و در حال حاضر پادشاه "کارل گستاف" به عنوان رهبر کشور "State" است اما قدرت وی عمدتاً صورت نمادین و تشریفاتی دارد. پارلمان یا "رایک اسداگ" شامل ۳۴۹ نماینده است که نخست‌وزیر را انتخاب می‌کند. به همین ترتیب نخست‌وزیر اعضای دولت را انتخاب می‌کند. قانونگذاری می‌تواند از سوی کابینه یا اعضای پارلمان پیشنهاد گردد. احزاب حاضر در پارلمان احزاب چپ "Vnsterpartiet"، سبزها "Miljpartiet"، سوسیال

کرده می‌تواند این گونه استدلال شود که این امر به تضعیف NPT و فعالیت IAEA منجر شود که گام‌های بلندتری را فراتر از قواعد بین‌المللی موجود در زمینه رژیم هسته‌ای برمی‌دارد. من فکر می‌کنم این موضوع (توافق هسته‌ای هند و آمریکا) بیشتر مربوط به مسایل ژئوپلیتیک و موازنه قوا است تا چیزهای دیگر. مخالفت ایالات متحده با خط لوله گاز ایران - پاکستان و هند، دلیل دومی است که چرا ایالات متحده قصد دارد به هند به عنوان جایگزین دیگری برای حل مشکلات انرژی خود توجه نماید.

**به صورت کلی، دیدگاه شما درباره سیاست خارجی ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری جرج بوش و حاکمیت نومحافظه‌کاران در کاخ سفید و اتخاذ سیاست‌هایی چون دکتترین اقدام پیش‌دستانه، مبارزه علیه تروریسم و گسترش دموکراسی چیست؟ آیا فکر می‌کنید که سیاست خارجی ایالات متحده به ویژه در منطقه خاورمیانه موفقیت‌آمیز بوده است؟**

من فکر می‌کنم مداخله ایالات متحده در عراق نشان داد که دموکراسی نمی‌تواند از بالا به یک کشور تحمیل شود. اگرچه عراق از یک دولت و پارلمان منتخب برخوردار است، دشوار است که گفته شود دموکراسی در این کشور ریشه گرفته است (نهادینه شده است). یک دموکراسی نیازمند نهادهای دولتی فعال است و این چیزی است که عراق در اختیار ندارد و دستیابی به آن در یافت خشونت‌های پنهان‌فزاینده در این کشور دشوار است، آن هم بدون ذکر رنج‌هایی که مردم عراق برای آن تحمل می‌کنند. افزایش صادرات نظامی به عربستان سعودی، اسرائیل و مصر باعث تقویت نظامی‌گری در این منطقه از جهان می‌شود. بر این باورم که ایالات متحده به جای قدرت نظامی باید از قدرت اقتصادی و بازار خود برای تعقیب صلح و ثبات در جهان بهره‌گیرد.

**در خلال ماه‌های گذشته، ایجاد سیستم دفاع موشکی در دو کشور لهستان و جمهوری چک منجر به یک چالش اساسی در روابط روسیه و ایالات متحده گردید. موضع سوئد در این زمینه چیست؟ آیا مقامات سیاسی و نظامی سوئد این**

**ادعای ایالات متحده را می‌پذیرند که موشک‌های ایران خطری برای اروپا محسوب می‌شوند؟ تجزیه و تحلیل شما درباره اهداف واقعی ایالات متحده چیست؟**

متأسفانه من در جریان موضع رسمی سوئد در این رابطه نیستم. تا آنجا که من بررسی کردم، متوجه شدم که وزیر امور خارجه در اوایل سال جاری میلادی بیانیه‌ای منتشر نمود که در مقایسه با مواضع دیگر کشورها مثلاً فرانسه کمتر هشداردهنده بود. در حالی که ژاک شیراک، رییس‌جمهور سابق فرانسه این گونه اظهار نمود که پایگاه‌های دفاع موشکی مرزبندی بیشتری را در اروپا ایجاد خواهد نمود. من فکر می‌کنم موضع سوئد بیشتر "منتظر ماندن و دیدن" است. با توجه به پرسش دوم، فکر نمی‌کنم دولت کنونی سوئد به استقرار این تاسیسات نظامی به عنوان دفاع از اروپا بنگرد، بلکه آن را در واقع دفاع از سرزمین اصلی ایالات متحده می‌بیند. با توجه به مواضع مقامات رسمی آمریکا، اهداف سیستم دفاع موشکی، محافظت در برابر تهدیداتی است که کشورهای بی‌ثبات با در اختیار گرفتن پیشرفت‌های بیشتر در تکنولوژی موشکی ایجاد خواهند نمود. من فکر می‌کنم این امر هدف واقعی برنامه‌های ایالات متحده باشد.

**در همین رابطه یکی از مباحث جدی، گسترش ناتو به سمت شرق است. در این زمینه پاییز سال جاری (۷ و ۸ آبان) پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز با موضوع گسترش ناتو به شرق در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار می‌شود. آیا با این دیدگاه موافقتی که گسترش ناتو به سمت شرق همراه با استقرار سیستم دفاع موشکی، باعث تحریک امنیتی کشورهای شرق مانند روسیه و چین می‌شود؟ به عنوان مثال آنها را به تقویت سازمان همکاری شانگهای "SCO" برای مقابله با ناتو سوق دهد؟**

من بر این باورم که تقویت روابط روسیه و چین نسبتاً در راستای برقراری موازنه قوا با ایالات متحده تعیین شده است. اما در عین حال پیامد پویایی‌های داخلی نیز

می‌باشد. چین و روسیه به یکدیگر نیاز دارند و رونق حجم تجارت بین دو طرف گواه این قضیه است. البته سیاست تهاجمی ایالات متحده در شرق میانه و در طول مرزهای این دو کشور می‌تواند آنها را به پیکار چه ساختن تلاش‌هایشان برای کاهش حضور ایالات متحده ترغیب کند. این امر در اعلامیه سال ۲۰۰۵ سازمان همکاری شانگهای در "آستانه" پایتخت قزاقستان مشاهده گردید که طی آن، این دو کشور خواهان عقب‌نشینی نیروهای ایالات متحده از سرزمین‌های اعضای سازمان همکاری شانگهای شدند. البته من فکر نمی‌کنم این تغییر صورت گیرد. از سوی دیگر من فکر نمی‌کنم هر گونه اتحادی بین روسیه و چین به صورتی که امروز وجود دارد، برقرار باشد. این دو کشور سوء ظن‌های فراوانی نسبت به هم دارند که از وقوع این رویداد یعنی اتحاد پایدار جلوگیری خواهد نمود. با این وجود جالب خواهد بود که بینیم وضعیت معاهده جدید درباره "همکاری و همسایگان خوب" که در اجلاس اخیر سران شانگهای در بیشکک به تصویب رسید، چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد.

**به صورت کلی آیا فکر می‌کنید نظام بین‌الملل به دوره جنگ سرد بازمی‌گردد، یا این که از وضعیت کنونی عبور خواهد کرد؟**

فکر می‌کنم گمانه‌زنی در این زمینه برداشتی ناکافی و بدون واقعیت است. واقع‌گرای مشهور روابط بین‌الملل جان میر شایمر در گفتن این مطالب تعجیل کرد که پاکسازی قومی در بالکان آن هم بلافاصله پس از دوره جنگ سرد نشانه‌ای از شانس اندک برای داشتن یک جهان لیبرال و صلح‌آمیز است. ساموئل هانتینگتون نیز به نتیجه‌گیری مشابهی در باره دوره پس از جنگ سرد رسید اما در قالب اصطلاحاتی مانند برخورد تمدن‌ها.

من فکر می‌کنم این برداشت‌ها ساده‌انگارانه است. اگر چه وضعیت کنونی بین‌المللی از حالت مطلوب فاصله دارد، اما دیدگاه من این است که جهان می‌تواند به جایگاه بهتری دست یابد و فضایی برای گفتگو، درک متقابل و نهادسازی بر آن حاکم شود. از این رو فکر نمی‌کنم از پیش مقدر شده باشد که ما در یک معمای امنیتی ثابت و دائمی زندگی کنیم. در حالت کلی، من فکر می‌کنم کلید درک و تفاهم در سیاست بین‌الملل این است که پیچیدگی‌ها را ببینیم نه سادگی‌ها را و تنها در این صورت است که قادر هستیم به راه حل‌هایی دست یابیم و همکاری را جایگزین رقابت و ستیزه‌جویی کنیم.